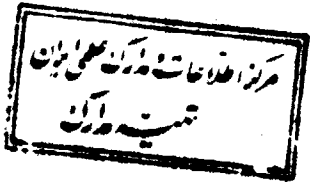


۱۳۷۷ / ۷ / ۱۹

،، بنام خدا ،،



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

گروه مشاوره

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع : رابطه فقدان پدرباخویشتن پنداری دردانش آموزان شاهدومقایسه آن با
دانش آموزان غیرشاهددرمقطع راهنمایی مدارس شاهدگران وگنبدکاوس

استادراهنما : دکتر عبدالله شفیح آبادی

استادمشاور : دکتر علی دلاور

نگارش : صدیقه محمدیون

سال تحصیلی :

۷۴-۷۵

5907

۲/۷۰/۱

تقدیم به :

الف :

تقدیم به همسر شهیدم ، تقدیم به او که خود مشعل دار علم و دانش بود .

تقدیم به دو فرزندم مهشید و حامد که خستگیهایم را تحمل کردند .

۲۱ / ۷۰۱

تقدیر و تشکر

ب :

بدینوسیله از استادان ارجمندم آقای دکتر شفیق آبادی استاد راهنما و آقای دکتر دلاور استاد مشاور این تحقیق که اینجانب را در تمام مراحل تحقیق یاری نموده اند صمیمانه از ایشان تشکر و قدردانی می نمایم و از خداوند متعال برای آن دو بزرگوار خانواده محترمشان آرزوی سلامتی و بهروزی را دارم .

بدینوسیله از مسئولین محترم بنیاد شهید و آموزش و پرورش شهرستان گرگان و گنبد، مدیران، و معاونین مدارس راهنمایی و کلیه کسانی که با همکاری صمیمانه خویش اینجانب را در انجام این تحقیق یاری نموده اند و همچنین از کلیه دانش آموزانی که به سئوالات پرسشنامه آزمون خود پنداره پیرز- هاریس پاسخ داده اند تشکر و قدردانی می نمایم .

ج :

چکیده تحقیق :

در این تحقیق تلاش گردید رابطه بین فقدان پدر و خویشتن پنداری دانش آموزان شاهد و غیر شاهد مقطع راهنمایی شهرستان گرگان و گنبدکاووس بر اساس متغیر جنسیت (پسر و دختر) معلوم گردد.

مراحل مختلفی برای انجام این تحقیق صورت گرفته است که تفصیلاً در پنج فصل گرایش تحقیق آورده شده است. خلاصه مسائل مطرح شده در هر فصل بدین شرح می باشد :

در فصل اول : طرح تحقیق معرفی و ضمن بیان اهداف تحقیق ، ضرورت آن بیان شده است و نهایتاً فرضیه های تحقیق ارائه شده است .
در فصل دوم : مباحث نظری و ادبیات موضوع تحقیق و تحقیقات انجام شده در خارج از کشور و داخل کشور بطور خلاصه مرور شده است .

در فصل سوم : توضیحاتی در ارتباط با شیوه های تحقیق ، نمونه و جامعه و ابزار اندازه گیری آورده شده است روش تحقیق بصورت علمی مقایسه ای است جامعه آماری عبارتست از کلیه دانش آموزان سال اول ، دوم ، سوم و مقطع راهنمایی مدارس شاهد گرگان و گنبدکاووس که در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ مشغول به تحصیل می باشند. بعلت محدود بودن تعداد دانش آموزان شاهد این مدارس نسبت به دانش آموزان غیر شاهد نمونه برابر با جامعه گرفته شده است . وسیله جمع آوری اطلاعات پرسشنامه خود پنداره پیرز- هاریس می باشد در فصل چهارم : اطلاعات گردآوری شده توسط نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند .

این عمل بصورت ترسیم جداول ، نمودار ، و تحلیل آماری واریانس یک طرفه ، آزمون t انجام پذیرفته است .

در فصل پنجم : نتایج حاصله از تحقیق و پیشنهادات مورد نظر آورده شده است پس از انجام تحلیلهای آماری مورد نیاز مشخص گردید که تفاوت معناداری بین میانگینهای آزمودنیهای دو گروه دانش آموزان شاهد و غیر شاهد (در سه پایه تحصیلی وجود ندارد ولی در آزمودنیهای فرعی خود پنداره در خصیصه جامعه پسندی (محبوبیت) در دانش آموزان شهرستان گنبدکاووس تفاوت معنی داری بین میانگینهای سه گروه وجود دارد و فرض صفر

رد شدیدین لحاظ ازآزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج بدست آمده نیزحاکمی
ازتفاوت معنی داربودن میانگینها سه گروه میباشد.

بررسی سئوالهای دیگر پژوهش نشان میدهدکه خودپنداره گروه شاهدوغیرشاهدبطورکلی
بایکدیگرتفاوت معنی داری داردولی طبق بررسی های بعمل آمده بین گروه دختران
شاهدوگروه پسران شاهدازنظرخودپنداره تفاوت معنی داری وجودندارد براین اساس
میتوان نتیجه گرفت که عامل جنسیت درمیزان مفهوم خودکلی فرددخالتی ندارداماطبق
بررسیهای دقیق تر ازلحاظ متغییر مفهوم خوددرابعادمختلف عوامل شش گانه (رفتار،
توانایی ذهنی ووضعییت مدرسه ،اضطراب ،ظاهروویژگیهای فیزیکی ،جامعه پسندی
(محبوبیت ،شادورضامندی) تفاوت وجودداشته است ودربررسی سئوال پژوهشی
مقایسه بین پسران شاهدوپسران غیرشاهدازنظرخودپنداره تفاوت معنی داری وجوددارد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	تقدیم به
ب	تقدیر و تشکر
ج	چکیده تحقیق
	فصل اول
	کلیات
۱	۱-۱ مقدمه
۵	۱-۲ طرح مسئله
۸	۱-۳ اهمیت موضوع تحقیق
۱۱	۱-۴ هدف تحقیق
۱۱	۱-۵ فرضیه های تحقیق
۱۲	۱-۶ تعریف عملیاتی واژه ها
	فصل دوم
	پیشینه تحقیق
۱۳	۲-۱ خودپنداره
۲۷	۲-۲ فقدان پدر
۳۷	۲-۳ همانندسازی
۴۰	۲-۴ خویشتن پنداری و محرومیت از پدر
۴۲	۲-۵ سوابق پژوهش

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل سوم
	روش پژوهش
۵۳	۳-۱ روش اجرای تحقیق (جامعه آماری، نمونه گیری، طرح تحقیق، ابزار اندازه گیری)
۵۵	۳-۲ تفسیر نمرات مقیاس پیروز - هاریس
۵۸	۳-۳ پایایی و اعتبار ابزار سنجش
۶۰	۳-۴ تفسیر نمرات کل و نمرات مقیاس خوشه ها
	فصل چهارم
	یافته های پژوهش
۶۵	۴-۱ تجزیه و تحلیل داده ها
۸۰	۴-۲ توصیف داده ها و تحلیل نتایج سئوالهای پژوهش
	فصل پنجم
	بحث و نتیجه گیری
۱۶۱	۵-۱ مقدمه
۱۶۱	۵-۲ نتیجه گیری
۱۶۷	۵-۳ محدودیت های پژوهش
۱۶۸	۵-۴ پیشنهادات
۱۷۲	۵-۵ خلاصه پژوهش
۱۷۴	۵-۶ بحث
	منابع
۱۷۴	الف (به زبان فارسی
۱۷۸	ب (به زبان انگلیسی
	پیوست : مقیاس مفهوم خودپنداره پیروز - هاریس

فصل اول

کلیات

- رسیدگی به مشکلات اقتصادی، نیازهای مادی خانواده های شاهد، مانع بروز بسیاری از مشکلات عاطفی و سازش آنان خواهد شد نقش و شخصیت فرد در کودکی شکل می گیرد و بخصوص در جوامع سنتی پدر را سمبل قدرت و مادر را سمبل عواطف میدانند. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹ و شرکت سلحشوران جان برکف در جبهه های حق علیه باطل، گروهی از بهترین افراد امت خود را از دست داده ایم عزیزانی که به فیض شهادت نائل آمدند که میتوان گفت هر یک امید اسلام بودند.

پاکان و نیکان که بخون خویش در غلطیدند که آثار کمبود و فقدان آنها در جامعه مابه نحوی پدیدار است. شهیدان این رهروان صدیق انبیاء و ائمه با شهادت خویش گرما و روشنی به جامعه بخشیده و جان تازه در کالبد انقلاب دمیدند. آنان در پرتو راهنمودهای امام راحل (ره) به جهاد و مقابله با بیگانگان و متجاوزان برخاستند و اینک که دفاع مقدس پایان یافته است و جامعه در امنیت و آرامش به سر می برد ما یم و نسلی عزیز از آن دودمان شریف که در کنار ما و در سرزمین اسلامیمان زندگی میکنند و باید به وجهی شایسته و نیکوبه شمر برسند آگاهی و شناخت کافی از این نسل، از زمینه ها و شرایط خاص زندگی آنان از اصالت ها، و شرافتها، از وسایل و دشواریهای رفتاری و تربیتی آنها از مواضعی که در قبال آنان باید اتخاذ کرد، از وظایفی که باید درباره آنان معمول داشت. لذا بر ماست که فرزندان شاهد را که حاملان پیام پدران خود و وارثان شهادت اند اگر نه برتر که همچون فرزندان خود بنگریم و در راه شناخت و حل مسائل آنان بکوشیم. و این میسر نیست مگر با پژوهشهای محققانه و بدور از پیشه داوریه ها.

فریود خاطر نشان میسازد که در دوران کودکی هیچ نیازی نیرومندتر از نیاز به حمایت پدر نیست کودک از همان اوان کودکی نیازمند است تا اطمینان یابد که دارای پدری است که او را از هرگونه خطری محفوظ می دارد، بخصوص در سه حوزه خطر، وجود پدر، برای راهنمایی کودک ضرورت می یابد، این سه حوزه عبارتند از: خطرات جهان بیرون، امیال پر خاشگرانه و خیال بافیهای اضطراب آمیز کودک و یک مادر بیش از حد مهربان، دلسوز، و حمایت کننده.

پاره ای از پژوهشها نیز بین نقش اساسی پدر در انعطاف پذیری و خلاقیت فرزند پسر و دختر هستند نظریه اینکه وجود پدر در تحول بهنجار کودک بسیار ضروری است. فقدان یا غیبت او میتواند مشکلات عدیده ای را پدید آورد. پژوهشهای انجام شده در این زمینه بیانگر این مشکلات هستند شواهدی وجود دارد که تا عشیر محرومیت کودکان از پدر را در

گسترش شخصیت و تحول بهنجاران نشان می‌دهند و ثابت می‌کنند که شخصیت فرد میتواند متغیر توجیه کننده، و مداخله گر بین مرگ پدرو پروزی بیماریهای روانشناسی مختلف در سنین بعدی وحتى در دوره کودکی باشد (لانديس، ۱۹۷۵، آبراهام، ۱۹۶۰، براون و هریس، ۱۹۷۸، گراویل و گراسمن، ۱۹۶۶، براون و فرندپیس، ۱۹۸۶).

مطالعاتی دقیقتر با دید افتراقی به نتایج تازه تری دست یافته اند که ممیزن وجوه رابطه بین فقدان پدرو بیماری افسردگی واکنش فرزندان است این مطالعات نشاءت گرفته از کارهای پژوهش روان تحلیل گران است زیرا در روان تحلیل گیری افسردگی متداولترین نتیجه فقدان والدین است (ابراهام، ۱۹۲۷، فروید، ۱۹۶۰، فروید، ۱۹۳۹).

پاره ای از پژوهشها به مطالعه رابطه فقدان پدرو رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان پرداخته اند این مطالعات نمایانگر رابطه بین پدر در بوجود آمدن واکنش های پرخاشگرانه خصومت و خشونت وحتى رفتارهای ضد اجتماعی در فرزندان هستند، در حالیکه مطالعات دیگر نشان می‌دهند که بسیاری از کودکان پس از وقوع مرگ بیشتر واکنش های افسردگی نشان می‌دهند تا واکنش های پرخاشگرانه و خصومت آمیز (سیرزوپنتر، ۱۹۷۰).

شاین (۱۹۷۸) با ملاحظه اشکالات روش شناختی ناشی از کنترل ناکافی به این نتیجه دست یافت که دشواریهای مالی اضطراب شدید، و روابط ضعیف والدین کودک موجب میشود که کودکان خانواده های محروم از پدر دچار اشکالات تحصیلی شوند و از حیث همانندسازی جنسی نیز با دشواریها روبرو شوند. او اعتقاد دارد که توانایی مادر برای جبران فقدان پدر کودکان در سازگاری موثریاری می‌کند.

ساترلند (۱۹۳۰) یافت که بهره هوشی کودکان خانواده های محروم از پدر کمتر از بهره هوشی کودکان خانواده های معمولی است.

شوگر (۱۹۷۰، ۱۹۷۲) واکنش های کودکان را در قبال مرگ یکی از والدین نشان می‌دهد بی اشتیهای روانی و سبک شدن وزن بدن، خودبکودی، کابوس، بازداري در مرحله های تحول، افت تحصیلی، بدخلقی و زودرنجی و سرکشی، گستاخی و خودکشی و مهمتر از همه افسردگی از جمله این واکنش هاست.

مطالعات کالیش (۱۹۶۹) نشان می‌دهد که واکنش های کودکان نسبت به مرگ والدین شامل: احساس گنه کاری، پرخاشگری، ترس، احساس رهاشدگی و ماتم زدگی و سازش نیافتگی است (گالیش، ۱۹۶۴).

اولین تجربیات تلخ افراد داغدیده بطور مختصر عبارتند از: فقدان یک بزرگسال، به عنوان الگوی همانندسازی کودک - افزایش مسئولیتهای همسر باقی مانده مشکلات پرورش کودکان - افزایش مشکلات و مسائل اقتصادی و بخصوص اگر والدین از دست رفته پدر خانواده باشد (گالیش ۱۹۷۱) بطور کلی پس از مرگ یکی از والدین دوستان و خویشان میتوانند آرامش بازماندگان باشند و با برخورد صحیح و مناسب خود بیان و احساسات کودک و والد باقی مانده را تسهیل و تعدیل نمایند.

- مفهوم خود:

مجموعه تصوراتی که شخص از خود دارد و مفهوم خود تصویر ذهنی از خویش، درک از جسم عواطف، هیجانات و نگرشهاست (پاتریش ۱۹۸۹). مفهوم خود ارزیابی کلی فرد از شخصیت خویش است این ارزیابی ناشی از ارزیابی های ذهنی است. که معمولاً از ویژگیهای رفتار خود به عمل می آوریم (برونر، ۱۹۸۶).

- تعریف عملی:

مفهوم خود عبارتست از مجموع نمره ای که فرد از مقیاس مفهوم خود پیرس - هاریس دریافت می کند. در این پژوهش متغیرها: متغیر مستقل، فقدان پدر یا عدم فقدان پدر متغیر وابسته خوشین پنداری، عزت نفس، اعتماد به نفس، متغیر تعدیل کننده: جنس با دو سطح دختر و پسر و پایه های کلاس متغیر کنترل: سن، مقطع تحصیلی، پیشرفت تحصیلی (میانگین نمره ها) وضع اقتصادی و اجتماعی خانواده، سواد مادر، هوش میباشند در خلال فرایند اجتماعی شدن، کودک تصوراتی را راجع به خودش شکل میدهد. و به عنوان یک فرد مستقل اندیشه هایی را در سر می پرورد مفهوم خود متشکل از اندیشه ها، احساسات، ارزشها، و عقاید فرد راجع به خویش است که نشأت گرفته از تعادل اجتماعی با دیگران است و بنابراین در تعیین روابط با دیگران سهم عمده ای دارد.

ویلیام جیمز خود را به دو بخش (من فاعلی یا خود یا خود بعنوان عامل عمل) و (من مفعول) یا خود به عنوان موضوع شناخت تقسیم کرده است خود به عنوان موضوع شناخت، کل اسنادها و ویژگیهایی است که فرد از آن خود می داند میتواند مورد مشاهده قرار گیرد و خود به عنوان عامل عمل، عبارتست از خود بعنوان فردی که به شناخت می پردازد و تجارب را به گونه ای صرفاً ذهنی دائماً سازمان داده و تفسیر میکند (امین یزدی ۱۳۷۳) کودکان از سال دوم زندگی به خود آگاهی دست می یابند و تقریباً در ۱۸ ماهگی صورتهای خود را

تشخیص می‌دهند و وقتی اسمشان را بگویم تصویر خود را نشان می‌دهند (دامون وهارت ۱۹۸۲ به نقل از یاسایی ۱۳۷۰) در دوران کودکی، در کودکان این حس ایجاد می‌شود که چه کسی هستند و در کجای جامعه قرار دارند.

با توجه به آنچه که گفته شد دامون وهارت ۱۹۸۲-۱۹۸۳-۱۹۸۵-۱۹۸۸ به نقل از محسنی (۱۳۷۳) نشان داده اند که برداشت یا پندار نسبت به خود هم از لحاظ ساختاری و هم از لحاظ محتوایی بر حسب سن تغییر می‌پذیرد، به عنوان مثال در مدل پیشنهادی آنها، جهت حرکت در برداشت از خود به ترتیب از خود فیزیکی یا بدنی به خود فعال، خود اجتماعی و بالاخره خود روانی است.

مفهوم خود می‌تواند مثبت و یا منفی باشد مفهوم خود مثبت نشانگر این است که فرد خودش را به عنوان شخصی که دارای نقاط قوت و یا ضعف است پذیرفته است و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می‌شود. مفهوم خود منفی منعکس کننده احساس بی ارزشی و فقدان احترام به خود و توانایی - خود است (بک راویتروویلیام ۱۹۸۸) مفهوم خود، ارزیابی کلی فرد از شخصیت خویش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی‌های ذهنی است که معمولاً از ویژگی‌های رفتاری خود به عمل می‌آوریم در نتیجه مفهوم خود می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. (بروز، ۱۹۸۶).

چون در منوئل پیرزهاریس خودپنداری می‌تواند بجای عزت نفس و حرمت نفس بکارورد لذا ما به بررسی عزت نفس و خودپنداره می‌پردازیم تا مفاهیم این دو پدیده در ذهن بطور کامل روشن شود. کوپراسمیت در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کودکان برخوردار از عزت نفس بالا افرادی هستند که با احساس اعتماد به نفس و بهره‌گیری از استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می‌پردازند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار گیرند. (می‌گیرند)

در مطالعاتی که توسط استیک انجام شد ارتباط متقابل بین عزت نفس در تصور فرد از توانایی خود مورد تأیید قرار گرفت اگر میزان عزت نفس کاهش یابد احساس ضعف و ناتوانی در فرد بوجود می‌آید و برعکس با بالا رفتن میزان عزت نفس احساس توانمندی و ارزشمندی در فرد احیاء می‌شود، و تغییرات مثبتی چون افزایش تحصیلی - افزایش تلاشی برای کسب موفقیت، داشتن اعتماد به نفس، بلند همت بودن تمایل به داشتن سلامت بیشتر، لذت بردن از روابط با دیگران و پیش بینی مثبت به موفقیت‌های بعدی در او پدیدار می‌شود تصویری که ما از خود داریم در تعیین روابط ما با دیگران سهم عمده‌ای دارد.

تفاوت بین عزت نفس و خودپنداره در این است که خودپنداره عبارت از مجموعه ویژگی‌هایی است که فرد برای توصیف خویش بکار می‌برد یک فرد ممکن است خودش را یک فوتبالیست خوب، علاقمند به داستانهای علمی و... که اینها محتوای خودپنداره را تشکیل میدهد اما عزت نفس عبارت از ارزشی است که اطلاعات درون خودپنداره برای او دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی‌هایی که در او هست ناشی میشود.

تحقیقاتی که بر روی نوجوانان اسرائیلی انجام شده بین تاثير ارتباط مادر با کودک در ایجاد تصور مثبت از خود و عزت نفس است. مطالعه تاثير منابع حمایتی پدر بر عزت نفس مورد بررسی قرار گرفت. ارتباط نزدیک و تعاملی بین منابع حمایت اجتماعی و عزت نفس در نوجوانان بود و از طرف دیگر بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی نیز رابطه زیادی وجود دارد. اگر کودک در انجام تکالیف مدرسه ای با موفقیت مواجه شود و اگر بخاطر یادگیری این تکالیف از جانب معلم، والدین، و همسالان خود تشویق گردد نگرش او به آموزشگاه و یادگیری آموزشگاهی مثبت بوده، او مشتاق است تا با زحم تجارب بیشتری را در آنجا کسب کند. بخاطر تصور شناخت نگرشهای افراد نسبت به خودشان همچنین توانایی تکوین خودپنداره که بعدها (تحول من) نامیده میشود جنبه مهم و حائز اهمیت را در روانشناسی شخصیت و تشخیص بالینی تشکیل میدهد. نمره بالو حاکی از سازگاری به افراد تعلق می‌گیرند که خودپنداره آنان در مرحله قالبی و سنتی است اما در جریان روان درمانی بعضی از افراد مرحله فوق را پشت سر میگذارند و به خودپنداره متبلور میرسند و به همین جهت ممکن است در پرسشنامه های سازگاری نمره پایین تری داشته باشند.

(هافمن و همکاران، ۱۹۸۷) از طرف دیگر خودپنداره با پیشرفت تحصیلی و بطور کلی موفقیت فرد در آینده تاثير زیادی دارد لذا دانش آموزانی که از خودپنداره ضعیفی برخوردار باشند اعتماد به نفس آنها پایین می‌آید و این اثرات سوئی بر روند زندگی او برجامیگذارد.

رشد روانی متعادل فرزندان مستلزم وجود تکاملاتی بین والدین و آنها در محیط خانواده است و با توجه به نقش عمده ای که پدر در اجتماعی شدن و رشد کنشهای سالم بین فردی فرزندان دارد، اثرات نامطلوب ناشی از فقدان پدر بر روی کودک تا عکید فراوان دارد پتیک ریوا اظهار می‌دارد که پسران فاقد پدر معمولاً مطیع تر، نابالغ تر، و در عین حال صفات زنانه بیشتری نسبت به کودکان دارای پدر هستند این قبیل کودکان (اعم از دختر و پسر) رویهم رفته از سازگاری اجتماعی پایین تر و خودپنداره ضعیف تری نسبت

به سایر کودکان دارای پدر برخوردارند تحقیقات گذشته نشان می دهد که کودکان فاقد پدر در بسیاری از ابعاد به ویژه انگیزه پیشرفت، علاقه به برتری و کسب مهارت، پشتکار و استقامت و تحمل نتایج منفی، نارسائیه و ضعف هایی نشان می دهند. ازدست دادن پدر میتواند به کاهش عزت نفس فرزند منجر شود عزت نفس با خودپنداره همبستگی مثبتی دارد و شخصی که عزت نفس بالایی دارد همیشه می خواهد خودپنداره خویش را حفظ کند بنابراین کمتر میتواند ناهماهنگی های شناختی را تحمل کند. مثلاً فردی که خود را انسان درستکاری می داند سخت است که بتواند به عمل خلاف باورهای خویش دست بزند.

طرح مسئله :

از دست دادن پدر که یکی از ارکان مهم در خانواده است ضایعه ای اسفناک برای هر خانواده است که حضور پدر در خانواده بر پیشرفت تحصیلی، رشد شناختی، تحول اخلاقی و از جمله خویشتن پنداری او تأثیر دارد. در فرهنگ غنی اسلام ماهیت و ارزش عنصر شهادت در این فرهنگ قابل مقایسه با مرگ تصادفی و یا طلاق و جدایی والدین نمی باشد. نگرش و طرز تلقی کودک نسبت به پدر شهید نگرش بسیار مطلوب بوده است او پدرش را الگو جامعه و دارای ویژگیهای خاص و بالا می داند. بخاطر تصور شناخت نگرشهای افراد نسبت به خودشان و همچنین توانایی تکوین خودپنداری که بعدها، تحول سن،، نامیده میشود جنبه مهم و حائز اهمیت را در روانشناسی شخصیت و تشخیص بالینی تشکیل می دهد و از طرفی خودپنداره با پیشرفت تحصیلی و بطور کلی با موفقیت فرد در آینده تا تأثیر زیادی دارد. دانش آموزی که از خودپنداره ضعیفی برخوردار است اعتماد به نفس آن نیز پایین می آید و این میتواند اثرات سوئی بر روند زندگی او برجای گذارد.

- ۱- آیا بین خویشتن پنداری پسران مقطع راهنمایی مدارس شاهد فاقد پدر و دانش آموزان پسر که دارای پدر هستند (غیر شاهد) اختلافی وجود دارد؟
- ۲- آیا بین خویشتن پنداری پسران مقطع راهنمایی مدارس شاهد فاقد پدر و دختران شاهد فاقد پدر تفاوتی وجود دارد؟
- ۳- آیا بین خویشتن پنداری دانش آموزان دختر شاهد فاقد پدر مقطع راهنمایی مدارس شاهد با دانش آموزان دختر غیر شاهد (دارای پدر) اختلافی وجود دارد؟

۴- آیا بین خویشتن پنداری دانش آموزان شاهد پایه های تحصیلی اول تا سوم مقطع راهنمایی مدارس شاهد اختلافی وجود دارد؟

۵- آیا بین خویشتن پنداری دانش آموز شاهد فاقد پدر مقطع راهنمایی مدارس شاهد شهرستان گرگان و دانش آموزان شاهد فاقد پدر شهرستان گنبدکاووس تفاوتی وجود دارد؟

۶- آیا بین خویشتن پنداری دانش آموزان غیرشاهد شهرستان گرگان با دانش آموزان غیرشاهد شهرستان گنبدکاووس تفاوتی وجود دارد؟

- آیا مفهوم خویشتن پنداری بین دانش آموزان شاهد (دختر و پسر) مقطع راهنمایی مدارس شاهد شهرستان گرگان با دانش آموزان شاهد همین مدارس شهرستان گنبدکاووس تفاوت است؟

- اهمیت موضوع تحقیق مباد توجه به نقش عمده ای که پدر در اجتماعی شدن و رشد و اکنش های سالم بین فردی فرزندان دارد (بیلرومری نیت ۱۹۷۵، بسیاری از محققان بر اثرات نامطلوب ناشی از فقدان پدر روی کودک تا اکید فراوان دارند، کیمبال، ۱۹۷۱، به نقل از آدامز و دیگران، ۱۳۶۹) از دست دادن موضوع همانندسازی را اولین و مهمترین اثر مرگ والدین می دانند. سوتر و لوسیوی (۱۹۷۱) بر اساس پژوهشی دریافته اند که غیبت پدر از یک سو بر شخصیت بنیادین کودک تا اثر میگذارد و از سوی دیگر بر روابط کودک با دنیای خارج موثر است و این حالت ممکن است شخصیت کودک فاقد استحکام و ثبات باشد و او را دچار عدم توانایی در تصمیم گیری و عدم اطمینان و تأمل نماید. این قبیل کودکان (اعم از دختر و پسر) رویهم رفته از رشد اخلاقی کمتر (هافمن، ۱۹۷۱) سازگاری اجتماعی پایین تر و مفهوم خودضعیف تری از لحاظ مهارت های اجتماعی نسبت به سایر کودکان برخوردارند. از دست دادن پدر می تواند که کاهش عزت نفس فرزندان منجر شود. یکی از عوامل مهمی که شخص را وامی دارد که بگونه ای موثر عمل نماید و در کارهایش جدیت و پشتکار داشته باشد، عزت نفس است. انسانی که از عزت نفس پایینی برخوردار است، خیلی راحت تر از اهداف خود چشم پوشی کرده و بسیار آسان تر در جهتی که دیگران برای او بر می گزینند، پای میگذارد (آرونسون، ۱۳۶۴). یکی دیگر از پیامدهای احتمالی از دست دادن پدر، افسردگی است. افسردگی بیماری است که خصوصیت مهم آن تغییر خلق و خوی است که در نوسان می باشد. این بیماری به کل ارگانیزم اثر گذاشته و تمام حوزه های زندگی یک فرد را تحت الشعاع قرار میدهد. این اثر در احساسات، نیرو، کشش، تفکر، اعمال بدنی، شخصیت و علایق فرد نمایان

برای دستیابی به متن کامل این پایان نامه به آدرس زیر مراجعه
فرمایید:

<http://irandoc.ac.ir/forms/documentform.aspx?ret=th21701>